

یادداشت •
فرزانه بنی هاشم نژاد •

همه ما مسئولیم!

یکم: فرشاد ۱۳ سال دارد. پدرش سال هاست رهایشان کرده و سرپرستی خانواده با دایی فرشاد است. او فرشاد و دو برادر کوچک‌ترش را وادار می‌کند با زباله‌گردی در تأمین مخارج خانواده مشارکت کنند. آن‌ها مهاجرانی غیرقانونی هستند و زیر چتر حمایت هیچ سازمانی قرار نمی‌گیرند. فرشاد در انجمن حمایت از کودکان کار درس می‌خواند و زیر فشار کاری که از آن متنفر است و برخوردهای خشن دایی، قصد فرار از خانه را دارد. گفت‌وگوهای مکرر مدیران انجمن با مادر و دایی فرشاد راه به جایی نمی‌برد. او پول خوبی از این راه به جیب می‌زند و خرج دو خانواده را تأمین می‌کند. دایی فرشاد انجمن را تهدید کرده که در صورت دخالت بیشتر، فرشاد و برادرش را از تحصیل بازخواهد داشت.

دوم: مردم جهان اسمال با شعار توقف کار کودکان در زنجیره تأمین به استقبال روز جهانی مبارزه با کار کودکان رفته‌اند. در ایران همچون بسیاری از کشورهای جهان قانون، هنجار و عرف اهرم‌های بازدارنده کودکان از کارند. اهرم‌هایی که هنوز نتوانسته‌اند به شیوه موثر، بهره‌گیری از کودکان در انواع مشاغل را کنترل کنند. ایران در سال ۱۳۸۲ به‌مقاوله‌نامه ۱۸۲ سازمان جهانی کار پیوسته است، این مقاله‌نامه از دولت‌ها می‌خواهد راهکارهای فوری موثر و سریعی برای پایان دادن به تمام اشکال کار کودک اتخاذ کنند. از سویی هریک از کشورهای عضو باید تدابیر لازم برای تضمین اجرا و اعمال موثر مقرراتی که به این مقاله‌نامه تریب اثر می‌دهند را اتخاذ کنند؛ ازجمله پیش‌بینی و کاربرد مجازات‌های کیفری یا مجازات‌های دیگر.

در حالی که بیشتر کشورهای جهان و معاهدات بین‌المللی ۱۸سالگی را پایان کودکی می‌دانند، در ایران سن کار ۱۵ سال، سن ازدواج دختران کمتر، سن رای دادن ۱۸ سال و سن اخذ گواهینامه و گذرنامه ۱۸ سال تمام است.

ماده ۸۴ قانون کار البته پیش‌بینی کرده است که در خصوص مشاغل و کارهایی که ماهیت آن‌ها برای سلامتی یا اخلاق نوجوانان زیان‌آور است، حداقل سن کار ۱۸ سال تمام خواهد بود و تشخیص این امر هم با وزارت کار و امور اجتماعی است.

سوم: لغو شمول قانون کار بر کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر، دست برخی کارفرمایان را برای استثمار کودکان باز گذاشت. بیشتر بچه‌های کار در این کارگاه‌ها مشغول به کارند. گرچه فلسفه این قانون افزایش اشتغال بود، اما تأثیرات اجتماعی آن نباید از دید قانون‌گذار پنهان بماند. نهادهای مدنی و تشکلهای کارگری می‌توانستند با تعاریفی روشن، ضمن حمایت از کارفرمایان خرد، راه اقدامات غیرقانونی در زمینه به‌کارگیری کودکان زیر سن قانونی در این کارگاه‌ها را با معرفی و مجازات صاحبان کارگاه‌ها مسدود کنند.

چهارم: زنجیره تأمین در هر شغل، طیفی از مشاغل دیگر را دربرمی‌گیرد. ایجاد حساسیت عمومی نسبت به توقف کار کودکان در زنجیره تأمین مسئولیتی اجتماعی و عمومی است و در مشاغل صنعتی و بزرگ اصولاً شانس به کارگمران کودکان بسیار ضعیف‌تر می‌شود. این پدیده بیشتر در آن دسته از مشاغلی شکل می‌گیرد که اتفاقا کارهای سخت و زیان‌آور دارند. کوه‌بازخانه‌هایی از مهم‌ترین مصادیق این امرند که به شکل وسیعی از کودکان در آن‌ها استفاده می‌شود. اما کودکان می‌توانند همه‌جا باشند. جورابی که به پا می‌کنید، قندی که هر صبح با چای می‌خورید، سبزی پاک‌شده‌ای که حمت شما را کم می‌کند، حیوانات بسته‌بندی شده و... همه می‌توانند تولید کارگاه‌های کوچکی باشند که کارگران اصلی آن‌ها دختران و پسران کودک هستند. از این منظر همه ما در توقف یا توسعه کار کودکان مسئولیم.

پنجم: نهادهای حاکمیتی در ایران هنوز بزرگ‌ترین کارفرما هستند. از این منظر عزم جدی دولت برای مهار کار کودکان به‌ویژه در مشاغل پرخطر، مورد پرسش و چالش است. ششم: غالب کودکان کار به خانواده‌های فقیر و فاقد پوشش حمایت‌های اجتماعی تعلق دارند. شمار بسیاری از آنان به خانواده‌هایی تعلق دارند که تا دیروز به کمک دستمزد ناچیز پدر زندگی فقیرانه‌ای را می‌گذرانند. از کارافتادگی زودهنگام، بیماری، حوادثی مثل سقوط از داربست، ناگهان یک یا تمام کودکان خانواده را روانه بازار کار می‌کند. حتی اگر شرایط سرپرست خانواده بهبود یابد کودکی که طعم درآمد را چشیده، به‌سختی از کار منفک می‌شود. عمومی کردن چتر حمایت موثر بر سر خانواده‌ها پایدارترین و موثرترین راه مقابله با کار کودکان است.

هفتم: بازار مسئول، کارفرمای مسئول، دولت مسئول و مردم مسئول اجزای زنجیره‌ای هستند که جهان عاری از کار کودک را قدم‌به‌قدم نزدیک‌تر می‌کند. برای حذف کار کودک ما همه مسئولیم.

رئیس انجمن کودکان کار

کاری که معلول‌های زیادی دارد

کارشناسان معتقدند عوامل اقتصادی-اجتماعی که منجر به کار کودکان می‌شود باید توسط نهادهای مسئول کنترل و کم شوند تا بتوان برای مبارزه با این پدیده گام‌های موثری برداشت. ۱۱ میلیون حاشیه‌نشین در ۲۷۰۰ محله، دو و نیم میلیون زن سرپرست خانوار، یک و نیم میلیون معتاد، زندانی شدن ۶۰۰ هزار نفر در سال و... بخشی از گزارش وزیر کشور درباره آسیب‌های اجتماعی است که هفته گذشته در مجلس قرائت شد. گزارشی که نشان می‌دهد عوامل اجتماعی که می‌توانند زمینه‌ساز کار کودکان در کشور شوند بسیار زیادند. عواملی که می‌توانند در همکاری نهادهای حاکمیتی و مردم‌نهاد، با اتکا به قوانین بازدارنده کنترل و کم شوند.

۰۲ | کتینه نو

کتیش

بیمه‌های اجتماعی

صنعت زدایی اقتصاد، بزرگسال بیکار و کودک کار تولیدمی‌کند

به بهانه ۲۳ خرداد، روز جهانی مبارزه با کار کودک



در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی، قانون چارچوب‌هایی را برای وفاقی اجتماعی در نظر گرفته است. تا زمانی که این شکل نگیرد نمی‌توان پدیده‌هایی چون کار کودکان را حذف کرد

و صنعت نباشد باید مشاغل خود را در حوزه خدمات خرده کالا‌های وارداتی تعریف کند. جایی که بیشتر کودکان کار مشغول به کارند!» به‌اعتقادسبحانی، بخش زیادی از کودکان کاربه‌ویژه در کلان‌شهرها تبدیل به لجستیک چرخه‌توزیع کالا‌های وارداتی شده‌اند، کارگرانی که راحت‌تر می‌توان حقوق آن‌ها را نادیده گرفت، دستمزدی به آن‌ها پرداخت نکرد و با بسیار کمتر از حداقل‌های قانونی مزد کف دستشان گذاشت. فرشید یزدانی، کارشناس تأمین اجتماعی و فعال حقوق کودکان، با اشاره به دو‌گانه فقر خانوادگی و تقاضای بازار تحلیل و واکاوی کار کودکان در ایران را موضوعی پیچیده می‌داند. «یک طرف کار کودکان خانواده‌های کم‌بضاعت و آسیب‌دیده قرار دارند و در سوی دیگر آن تقاضا برای کارگران ارزان و بدون‌درسر که اغلب از سوی کارگاه‌های کوچک مطرح می‌شود. در هردو متغیر تأثیر گذار این پدیده اجتماعی ردپای شرایط اقتصادی را می‌توان یافت. اما نباید فراموش کرد که کار کودکان به همان اندازه که پدیده‌ای اقتصادی است یک پدیده اجتماعی و متأثر از متغیرهایی چون وضعیت و پایگاه اجتماعی خانواده‌ها، اعتیاد، خرومیت از تحصیل و... است.»

■ عقب‌ماندن از روندهای کاهشی

روندهای جهانی از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۶ نتایج امیدوارکننده‌ای از کاهش آمار کودکان کار را نشان می‌دهد. ۲۴۶ میلیون کودک کار در سال ۲۰۰۰ به ۲۱۸ میلیون کودک کار در سال ۲۰۰۴ کاهش یافته (۱۱ درصد کاهش) و این رقم در سال ۲۰۱۶ به ۱۶۸ میلیون رسیده است. در همین مدت تعداد کودکانی که در شرایط خطرناک کار می‌کرده‌اند ۲۶ درصد کاهش یافته است. اما نکته مایوس‌کننده اینجاست که این کاهش آن‌گونه که باید نصیب کودکان کار ایرانی نشده است. فرشید یزدانی با اشاره به آمارهای ایران می‌گوید: «در سال ۱۳۸۵ طبق اعلام مرکز آمار یک میلیون و ۷۰۰ هزار کودک کار داشته‌ایم. در حال حاضر و بر اساس آمارهایی که می‌توان از آمارهای کلی استخراج کرد می‌توان گفت حدود یک و نیم میلیون کودک کار

مجاز است.» کارهایی که البته بیشتر جنبه کارروزی، آموزش و تا حدی برای پر کردن اوقات فراغت آن‌هاست. با این تعریف در حال حاضر ۱۶۸ میلیون کودک کار در دنیا وجود دارد که ۵۹ درصد آن‌ها (۹۸ میلیون کودک) در بخش کشاورزی مشغول به کارند. اما نکته قابل‌تأمل‌ترین این است که ۸۵ میلیون نفر از این کودکان در شرایط خطرناک کار می‌کنند؛ شرایطی که سلامت جسمی و روحی آن‌ها را شدیدتر معرض آسیب قرار می‌دهد. دو نکته قابل توجه دیگر که مبارزه با کار کودکان در سراسر جهان را به ضرورتی اولویت‌دار تبدیل کرده یکی این است که بیش از ۷۰ درصد کودکان کار جهان بین ۵ تا ۱۴ سال سن دارند و دیگری وجود ۵ میلیون کودکی است که در شرایطی کار می‌کنند که «برده‌داری مدرن» خوانده می‌شود. سازمان جهانی کار می‌گوید یک‌چهارم از جمعیت ۲۰ میلیونی برده‌های مدرن جهان کودک هستند؛ با وجود تمام این آمارهای نگران‌کننده طبق توافق‌نامه جهانی توسعه پایدار، باید کار کودکان در همه اشکال آن تا پایان سال ۲۰۲۵ از جهان حذف شود.

■ کار کودکان در ایران

در اقتصاد ایران که در یک دهه گذشته از تحریم و واردات و سیاست‌های تورم‌زا آسیب دیده، کودکان کار کجا و به چه کاری مشغول‌اند؟ جاویدسبحانی، پژوهشگر اجتماعی و فعال حقوق کودک، در جواب این سوال آتی‌ه‌نو وجود اقتصاد متکی بر واردات و به حاشیه رفتن تولید داخلی را که به واقعیت اقتصادی کشور در فاصله‌سال‌های ۸۴ تا ۹۲ تبدیل شد کلید حل این معمای بازار کار می‌داند: «یکی از مولفه‌های تأثیرگذار بر کار کودکان در همه جای دنیا، بیکاری و فقر اقتصادی خانواده‌هاست. باید دقت داشت که هر کارخانه‌ای که تعطیل و از چرخه تولید خارج می‌شود، در کنار بیکار شدن یک‌بزرگسال از یک خانواده احتمال کارگر شدن یک کودک از آن خانواده هم وجود دارد. در سال‌های گذشته واردات بی‌منطق و غیرضروری نتیجه‌ای جز صنعت‌زدایی از اقتصاد نداشته است. اقتصادی که متکی به تولید

رضا جمیلی •
روزنامه‌نگار •

برای ورود به بحثی که موضوع آن یک میلیون و ۵۰۰ هزار کودکی هستند، که به دلایل مختلف بخشی از چرخه کار رسمی و غیررسمی کشور شده‌اند، می‌توان نقطه عزیمت را بر پایه مفاهیم و تعاریف موردقبول بنا کرد و از این معبر راهی به چرایی و چگونگی و وضعیت فعلی آن پدیده یافت. هرچند مفهوم کودکان کار، که در دهه‌های اخیر به یکی از دغدغه‌های اجتماعی-اقتصادی دولت‌ها در جهان تبدیل شده، در همین سرآغاز با چندگانگی‌هایی همراه است اما می‌توان از این تشتت نظری گذشت و به بهانه ۲۳ خرداد که روز جهانی مبارزه با کار کودکان است و بر پایه تعریفی که سازمان جهانی کار از این آسیب اجتماعی ارائه داده به جنبه‌های مختلف آن پرداخت. به‌ویژه از این منظر می‌توان کار کودکان را مورد مذاقه قرار داد که نسبت رونق یا رکود تولید با کار کودکان در کشوری چون ایران چیست و اگر در کشورهای شرق آسیا جهش اقتصادی و تولید انبوه تکنولوژیک بسیاری از کودکان را به کار کشیده، در ریشه‌یابی داخلی این پدیده مابه‌ازای آن چه می‌تواند باشد. در کشوری که نزدیک به یک دهه است تولید حال‌وروز خوشایندی ندارد، چند میلیون جوان بیکار جویای کار دارد، فرصت‌های شغل چندانی برای اقشار تحصیل کرده در دسترس نیست، کار کودکان به چه دلایلی رونق گرفته است؟ آن هم به میزان یک‌ونیم میلیون کارگری که کودکان‌هایشان را در کارگاه‌ها و خیابان‌ها و زیرزمین‌ها و مزارع در لباس کارگران بی‌مزد یا کم‌مزد پشت سر می‌گذارند.

■ وضعیت جهانی

سازمان جهانی کار می‌گوید هر فرد زیر ۱۸ سال که در شرایط نامناسبی مشغول به کار باشد که به سلامت، تحصیل، آسایش و آینده‌اش آسیب وارد شود کودک کار است. کاری که ماهیت و یا نحوه انجام آن موجب سوءاستفاده از کودک و یا به خطر افتادن آینده او شود، فرصت‌های تحصیلی او در کودکی و نوجوانی را سلب کند، امکان بازی و تفریح با همسالانش را غیرممکن و رشد شخصیتی کودک را با اختلال مواجه کند. البته این تعریف و کنوانسیون جهانی حقوق کودک برای کودک ۱۵ تا ۱۸ساله برخی مشاغل سبک‌امجاز شمرده، با این حال سازمان جهانی کار تأکید کرده: «سن کارگران با هر متر و معیاری نباید کمتر از ۱۵ سال باشد. البته کارهایی سبک که محل تحصیل و سلامت و تفریح کودکان نباشند ۱۳ تا ۱۵سالگی

■ عکس نوشت •

• کودکان کار •

آن‌ها عاشق فوتبال هستند، کودکی‌شان با توپ‌های پلاستیکی سپری شده، تنها چیزی که بیشترشان را واداشته به جای پرسه زدن میان معتادان خیابانی، در زمینی که گاه‌وبگاه اجازه ورود بدان را پیدا می‌کنند، یکسره بوندند. بچه‌های انجمن حمایت از کودکان کار صبح جمعه با هادی طباطبایی فوتبال بازی کردند. هادی آمده بود تا آن‌ها کمی خوشحال باشند. بچه‌هایی که دیگر این روزها انگار هیچ چیز خوشحالشان نمی‌کند. با این حال آن‌ها سفت و سخت هر چه توپ داشتند به طاق دروازه کوبیدند، در زمین چمنی که تنها فضایی است که کودکان هردنی می‌توانند در آن بازی کنند. دلشان زمین بازی بزرگ‌تری می‌خواهد. چند سال قبل تنها زمین چمن استاندارد منطقه به انجمن نابینایان بخشیده شد. جایی که هیچ نابینایی در آن قدرت بازی ندارد تا وقتی تصمیمات مابرای حمایت از بخشی از جامعه ناتوان و کم‌توان غیر حرفه‌ای است نمی‌توان به مهار آسیب چندان دست بست.



یکشنبه • ۲۳ خرداد ۱۳۹۵ • شماره پنجاه و هفت

A T I V E H N O

داریم.» سبحانی اما با مقایسه این آمار با آمارهای جهانی یکی از دلایل عدم کاهش آمارها در ایران را، متناسب با روندهای کاهش در جهان، توجه نکردن به تجربه‌های جهانی و راهکارهای بین‌المللی در داخل کشور می‌داند. «سیاست‌گذاری در این حوزه مهم‌ترین فاکتور است. اما مشکل این است که کار کودکان برای سیاست‌گذاران ایرانی تبدیل به مسئله نشده است. در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی، قانون چارچوب‌هایی را برای وفاقی اجتماعی در نظر گرفته است. تا زمانی که این وفاقی شکل نگیرد نمی‌توان پدیده‌هایی چون کار کودکان را حذف کرد. باید توجه داشت که در زمینه سیاست‌گذاری اجتماعی و برنامه‌ریزی رفاهی میبانی آماری متغیری بسیار کلیدی و حیاتی است. ما هنوز در زمینه کار کودکان آمارهای دقیقی نداریم. تغییرات آمارها رصد و تحلیل نمی‌شود و حتی طرح‌هایی چون ساماندهی کودکان خیابانی چند سال بعد از شروع یک تحلیل از داده‌های خود در اختیار پژوهشگران قرار نمی‌دهند.» یزدانی اما اعتقاد دارد همان‌گونه که در بسیاری از حوزه‌ها بر اساس آمارهای تقریبی تصمیم‌گیری و راهکارهایی می‌شود نباید نبود آمار را ابانه‌ای برای انفعال در موضوع کار کودکان قرار داد: «برای نمونه در ست است که آمار کودکان خارج از چرخه تحصیل کم شده ولی این به این معنا نیست که آن‌ها را به تحصیل برگردانده‌ایم. بلکه بسیاری از این کودکان از دوره کودکی خارج شده‌اند و با توجه به کم شدن رشد جمعیت تعداد کمتری کودک محروم از تحصیل جایگزین آن‌ها شده‌اند. در حالی که اگر به نسبت‌ها و در صد‌ها، جوع کنبد چنین کاهشی نمی‌بینید.» به اعتقاد یزدانی برای مبارزه با کار کودکان باید به یک چارچوب مفهومی رسید و اثرات منفی کار کودکان را در جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه تبیین کرد. «خانواده‌های این کودکان باید شناسایی و حمایت شوند و اگر قرار است سیستم‌های توزیع یارانه‌ای وجود داشته باشد آن‌ها را در اولویت قرار دهیم.» تلاش‌های تأمین اجتماعی برای بیمه کردن کودکان کار بخشی از حمایت‌های اجتماعی است که قانون بر عهده بیمه‌های اجتماعی گذاشته است اما سبحانی با اشاره به اینکه مبارزه برای حذف کار کودکان باید به گونه‌ای رقم بخورد که هیچ‌گونه رسمیت بخشی در این پدیده مطرح نشود و نظارت‌ها و حمایت‌های سازمان‌هایی مانند تأمین اجتماعی و وزارت کار باید معطوف به خانواده‌هایی شود که به دلایل اقتصادی مجبور به فرستادن کودکان خود به چرخه کار شده‌اند. یزدانی اما بیمه کودکان کار را در کاهش کار کودکان موثر می‌داند و از آن به‌عنوان راهکاری برای بالا بردن هزینه‌های استفاده از کارگران کودک یاد می‌کند. «باید با شناسایی کودکان زیر ۱۵ سالی که در کارگاه‌های کوچک کار می‌کنند و الزام کارفرماها به بیمه کردن آن‌ها پیش فرض کارگران ارزان و بدون حقوق کارگری را از این کودکان زدود تا کارفرماها تمایل کمتری به استفاده از کودکان داشته باشند.»

■ چه باید کرد؟

رونق تولید داخلی، مبارزه با بیکاری، جلوگیری از واردات بی‌رویه، تغییر نگرشی در خانواده‌ها، نظارت بر محیط‌های کاری، همکاری دولت‌ها با آن‌جی‌اوها برای رسیدن به یک الگوی پیشگیرانه و مداخله‌گر، و تصویب قوانین بازدارنده، راه‌حل‌هایی است که بخشی از آن‌ها در دستورالعمل‌های بین‌المللی مبارزه با کار کودکان مورد تأکید قرار گرفته و بخشی با توجه به مختصات اقتصادی اجتماعی ایران از سوی کارشناسان پیشنهاد می‌شود. سبحانی با اشاره به مفهومی به نام تغییر ماهیت فقر روستایی به فقر شهری می‌گوید: «کار کودکان عوامل اجتماعی مهمی نیز دارد که باید مورد توجه قرار بگیرند. به دلیل بحران‌های محیط‌زبستی روستاییان به حاشیه شهرها مهاجرت می‌کنند و فقر خود را به شهرها می‌آورند. فرزندان‌شان برای مبارزه با این فقر وارد چرخه کار می‌شوند و نظارتی هم برای جلوگیری از این انتقال وجود ندارد. فرزندان مهاجران در شرکت‌های خدماتی شهری در روز روشن کار می‌کنند و کسی هم با سازمان‌های متخلف بر خوردی نمی‌کند.» به اعتقاد سبحانی مداخله‌گری آن‌جی‌اوها هم در رابطه با کار کودکان نمی‌تواند آن‌گونه که در مورد آن تبلیغ و گاه اغراق می‌شود تأثیر گذار باشد. چرا که به اعتقاد او این نهادها در مرحله پیشگیری نیاز به ابزارها و میانی قانونی دارند، که آن‌جی‌اوها به آن‌ها دسترسی ندارند: «متأسفانه تصویری از آن‌جی‌اوها ارائه شده که گویی آن‌ها پیمانکاران خصوصی رفع آسیب‌های اجتماعی هستند. در حالی که باید نقش و رسالت اصلی رانهادهای حاکمیتی بر عهده بگیرند.» نبود میانی قانونی موضوعی است که یزدانی هم با اشاره به آن می‌گوید: «قانون حمایت از حقوق کودک و نوجوان ۶-۷ سال است که در مجلس مانده و امیدواریم در مجلس جدید به نتیجه برسد.» قانونی که سبحانی هم امیدوار است بخش‌های مرتبط با کار کودک در آن پررنگ‌تر و بازدارنده‌تر شود. چرا که به اعتقاد او هنوز قانون قدرتمندی مرتبط با کار کودک در کشور وجود ندارد.

پیش

۶۶

یکی از مولفه‌های تأثیرگذار بر کار کودکان در همه جای دنیا، بیکاری و فقر اقتصادی خانواده‌هاست. باید دقت داشت که هر کارخانه‌ای که تعطیل و از چرخه تولید خارج می‌شود، در کنار بیکار شدن یک بزرگسال از یک خانواده احتمال کارگر شدن یک کودک از آن خانواده هم وجود دارد. در سال‌های گذشته واردات بی‌منطق و غیرضروری نتیجه‌ای جز صنعت‌زدایی از اقتصاد نداشته است.

